

تاریخ بیمارستان‌ها

کارنامه درخشان ایرانیان

علی اکبر احمدی دارانی

است: پس از آنکه کاووس از آسمان به زمین می‌افتد همه اطرافیان از جمله گودرز او را سرزنش می‌کنند:

... خرد نیست او را نه دانش نه رای
نه هوشش بجایست و نه دل بجای
رسیدند پس پهلوانان بدوی
نکوهش‌گر و تیز و پرخاش جوی
بدو گفت گودرز بیمارستان

تو را جای زیباتر از شارس‌ستان^۱
فردوسی به عمد و نه فقط برای رعایت قافیه
«بیمارستان و شارس‌تان» را در این بیت گنجانیده
است. شارس‌تان مرکز اصلی شهر و محل حکومت
بوده است و بیمارستان علاوه بر اینکه جایگاه
دیوانگان بوده در خارج از شهر بنا می‌گردیده است.
تقابل این دو لفظ و توجه به دو بیت بالاتر بر این
نکته تأکید دارد که گودرز، کاووس را به خاطر
بی‌خردی (= دیوانگی) لایق بودن در شارس‌تان
نمی‌داند.

در جای دیگر شاهنامه تقابل این دو لفظ را
می‌بینیم:

بسی شارس‌تان گشت بیمارستان
بسی بوستان نیز شد خارستان^۲
آغاز بحث مفصل درباره بیمارستان‌های ایران
همان جندی شاپور است و کاوش در این زمینه و
اطلاع از دوره‌های پیشتر و بیمارستان‌های احتمالی
به علت نبود منابع تحقیق، راه به جایی نخواهد برد.
بنای شهر جندی شاپور در زمان شاپور اول
برای اسیران رومی ایجاد شد. و پنجاه سال بعد در
زمان شاپور دوم، جندی شاپور پایتخت حکومت
ساسانی گردید و دانشگاهی در آن به وجود آمد که
طب یونانی در آن تدریس می‌شد. در دوران خسرو
اول، انوشیروان، جندی شاپور به اوج اعتلای خود
رسید.

بسته شدن مدارس ایرانیان در رها و همچنین
مهاجرت هفت تن از دانشمندان یونانی در رونق

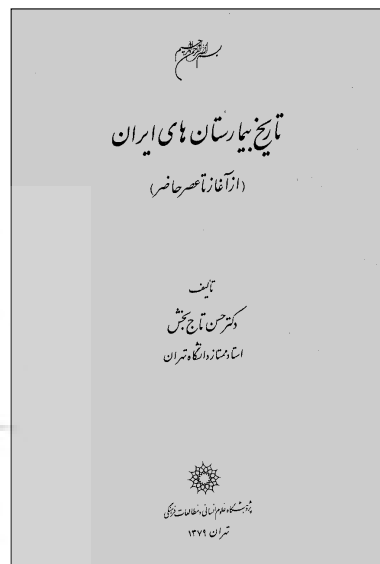
در بحث‌های مختلف تاریخی همیشه باید
سهمی خاص برای ایران و ایرانیان در نظر گرفت.
در مطالعه تاریخ بیمارستان‌ها که به نسبت،
موضوعی تازه است، اگر بخواهیم بحثی را آغاز
نمائیم، بی‌گمان به جندی شاپور خواهیم رسید که
سرمنشأ پیشرفت‌ها و تحولاتی است که در
دوره‌های بعد در قلمرو اسلامی پدید آمد. حتی دکتر
احمد عیسی‌بک که کتابی راجع به تاریخ
بیمارستان‌ها در اسلام نگاشته است، پیش‌تر از
آنکه به بیمارستان‌های قلمرو وسیع اسلامی
بپردازد، از «جندی شاپور» شروع می‌کند:

«سخن درباره بیمارستان‌ها را بدان سبب از
جندی شاپور آغاز کردیم که در زمینه تأسیس
بیمارستان‌ها و پرورش پزشکان عرب برای عرب‌ها
بهترین یاور و مددکار بوده است.»^۳

کمبودهایی که در زمینه تحقیقات راجع به
بیمارستان‌ها در ایران وجود داشته و از آن جا که
بیمارستان‌ها در دنیای متمدن از ایران آغاز شده،
دکتر حسن تاج‌بخش را بر آن داشته که دست به
تألیف کتابی مستقل درباره تاریخ بیمارستان‌ها در
ایران از آغاز تا عصر حاضر بزند.

نویسنده محترم در ابتدا بیمارستان‌ها را به دو
دسته بیمارستان‌های ثابت و سیار بخش‌بندی
نموده است. بیمارستان‌های سیار در اردوگاه‌های
جنگی کاربرد داشته که اسباب و وسایل آن از جایی
به جای دیگر حمل می‌شده است.

لفظ بیمارستان نیز لفظی پارسی است که در
برخی از متون قدیم مترادف با «دیوانه‌خانه» به کار
می‌رفته است. نویسنده علت این مترادف را در دو چیز
می‌داند: اول) آن که بیمارستان‌ها در گذشته
بخش‌هایی برای بیماران روانی داشته‌اند. و دوم)
آنکه بیمارستان‌ها را در خارج از شهرها می‌ساختند
(شاید برای دور نگهداشتن بیماران از مردم عادی)
و بر اثر بی‌توجهی به ویرانه تبدیل می‌شده و محلی
برای تجمع دیوانگان می‌گردیده است. این نکته
باتوجه به دو بیت از شاهنامه فردوسی قابل تأیید



○ تاریخ بیمارستان‌های ایران (از آغاز تا عصر حاضر)

○ تألیف: دکتر حسن تاج‌بخش

○ ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی، چاپ اول، بهار ۱۳۷۹، ۳۷۹ ص. شابک

۹۶۴-۴۲۶-۱۰۸-۹

معروفیتی دارد.

حمله مغولان تا مدت‌ها فقط ویرانی به بار آورد و همه دستاوردهای گذشته را به نابودی سپرد. در دوره ایلخانیان به همت **شمس‌الدین جوینی** و **رشیدالدین فضل‌الله** در شهرهای مختلف بیمارستان‌های معتبری دایر گردید. مانند بیمارستان صاحبی‌یزد، بیمارستان و دانشگاه رکتیه یزد و کمال‌الدین ابوالمعالی و...

اولین ایلخان مغول که با جمع امیران خود به اسلام گروید، غازان خان بود که به همت وزیرش **خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی** زمینه‌ای مناسب برای فعالیت‌های گوناگون علمی و فرهنگی فراهم گشت. غازان به امور پزشکی علاقه‌مند بود و

خوارزم، بخارا، نیشابور، زرنج (زرنج) سیستان، عضدی شیراز، اصفهان، کرمان و بیمارستان‌های سلجوقی از جمله این بیمارستان‌ها هستند. در این فصل چند تن از معروف‌ترین پزشکان ایرانی مانند زکریای رازی، بوعلی سینا، سیداسماعیل جرجانی که شهرت جهانی یافته‌اند، معرفی و شرح احوالی از آنها آورده شده است. در این میان سیداسماعیل جرجانی به سبب تأثیر فراوانی که با نگاشتن کتاب **بی‌نظیر خود یعنی ذخیره خوارزمشاهی** بر جا نهاد، بنیانگذار طب فارسی نامیده شده است.

«ذخیره [خوارزمشاهی] منبع عظیم طب فارسی است و با شمارش تقریبی که اینجانب انجام داده‌ام شامل حدود ۷۵۰۰۰۰ کلمه است. این اثر

بخشیدن به جندی‌شاپور تأثیر بسزایی داشت. در این مرکز علمی بزرگ بیشتر توجه به طب بود اما علوم گوناگونی چون فلسفه، الهیات و ریاضیات و... در آن رواج داشت. دانش آموختگان پس از پایان تحصیلات به صورت رسمی به پزشکی روی می‌آوردند و برای این کار اجازه‌نامه دریافت می‌نمودند.

مقارن ظهور اسلام در سرزمین حجاز به گروهی از مردان عرب برمی‌خوریم که از دانش آموختگان جندی‌شاپور هستند. شاید این اولین حلقة اتصال جندی‌شاپور با دنیای اسلام باشد که تا قرن‌ها بعد ادامه می‌یابد. کسانی چون **حارث بن کلدۀ بن عمرو بن علاج ثقفی**، **نضر بن حارث بن کلدۀ**، **ابن ابی رمثۀ تمیمی**، **ابن اثال مسیحی** از این جمله‌اند.

فصل دوم تاریخ بیمارستان‌ها به نخستین بیمارستان‌های دنیای اسلام اختصاص دارد. در جریان جنگ خندق زنی جراح از قبیله اسلم به نام «رفیده» برای خاطر خداوند به درمان مجروحین می‌پرداخت. (ص ۲۵) شاید بتوان گفت: اولین بیمارستان در تاریخ اسلام از اینجا است.

در دوره‌های بعد **ولید بن عبدالملک (۸۶-۹۶)** اولین کسی است که در عالم اسلام بیمارستانی ثابت برای بیماران بنا کرد.

در دورانی که خلافت عباسی در اوج اقتدار و عظمت بود، بیمارستان‌های گوناگونی در مرکز حکومت عباسیان، بغداد، دایر شد. از جمله بیمارستان رشید که به دستور هارون الرشید در حدود ۱۷۱ ه. ق. احداث گردید و آمدن جبرئیل پسر بُختیشوع برای درمان هارون از جندی‌شاپور علت اصلی ایجاد آن بوده است که باز نشانه تأثیر طب جندی‌شاپور در حکومت خلفا و دوره اسلامی است.

در همین روزگار، بیمارستان برمکیان نیز وجود دارد که شبیه بیمارستان جندی‌شاپور اداره می‌گردیده است. بیمارستان‌های معتضدی، ابن فرات، سیده، مقتدری در این دوران را نیز می‌شناسیم. حتی معزالدوله و عضدالدوله بیمارستان‌هایی در بغداد بنا می‌کنند. فصل سوم تاریخ بیمارستان‌ها درباره بیمارستان عضدی و پزشکان بزرگ آن است.

فصل چهارم کتاب ویژه اطلاعاتی راجع به بیمارستان نظامیه بغداد، تششیده، مستصریه، مشهد کاظمین و حتی بیمارستان‌های سیار است.

گسترش حکومت اسلامی به سوی غرب باعث گردیده مؤلف فصل پنجم را ویژه بیمارستان‌های مصر و سوریه چون بیمارستان فسطاط، منصوری قاهره و نوری دمشق نماید.

کم‌کم با پیدایش حکومت‌های مرکزی در ایران محیطی مناسب برای ایجاد بیمارستان‌ها فراهم آمد این دوره تا حمله مغول ادامه دارد که فصل ششم کتاب را دربر گرفته است. بیمارستان ری، مرو،

به داروشناسی و داروسازی دلبستگی داشت. در زمان وی بسیاری از داروها از چین شرقی و هندوستان به ایران آورده و به بهای گران فروخته می‌شد. غازان خان داروشناسان را به همراه خود به شکار می‌برد و به کمک آنها گیاهان دارویی را می‌شناخت وی با ترکیب ۲۴ داروی مفرد با تریاق فاروق، تریاک غازانی را ساخت. (ص ۱۳۱) و به دستور وی در شب غازانی دارالشفایی ساخته شد. در همین دوره در ربیع رشیدی تبریز و در همدان و سلطانیه زنجان شاهد ایجاد بیمارستان هستیم.

در زمان امیر تیمور، بیمارستان‌هایی چون «مقرب‌الدین»، «صاحبی‌یزد»، «سلطانیه» همچنان فعال‌اند. در روزگار رونق هرات، بیمارستانی توسط **امیرعلی شیرنوازی** تأسیس گردید که برخی از پزشکان آن را می‌شناسیم: **نظام‌الدین عبدالحی**

بهترین و مهمترین کتاب پزشکی به زبان فارسی است که از ابتدای ایجاد خط فارسی تا عصر حاضر نگاشته شده است... آری **ذخیره خوارزمشاهی** یکی از مهم‌ترین کتابهای پزشکی جهان است» (ص ۸۰)

ابتکار اتابکان سلغری فارس در جلوگیری از حمله مغولان به این سرزمین باعث گردید که فارس پناهگاهی امن برای رشد علم، فرهنگ و هنر گردد. در این دوره بیمارستان مظفری و امیرمقرب‌الدین و فخرالدین ابوبکر در شیراز ایجاد گردید و پزشکان بزرگی چون **ضیاء‌الدین مسعود طیب بن مصلح کازرونی**، **کمال‌الدین ابوالخیر بن مصلح کازرونی**، حتی **علامه قطب‌الدین شیرازی** در بیمارستان مظفری فعالیت می‌کردند. با فاصله‌ای اندک دارالشفای شاه شجاع نیز در این دوران



پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

طیب، قطب‌الدین محمد آدم، مسیح‌الدین حبیب‌الله.

فصل دوازدهم ویژه دوران صفویه است. در این دوره توجهی به بیمارستانها نمی‌شود. تنها از قول سفرنامه‌نویسان می‌توان اطلاعاتی به دست آورد. بیمارستان تبریز که مدت‌ها پیش توسط **اوزون حسن**، نیای مادری شاه اسماعیل صفوی ساخته شده بود، فعالیتی داشت و از بیمارستان قزوین مشهد و اصفهان و پزشکان آنها نیز اطلاعاتی داریم. (ص ۱۹۴-۱۷۱)

در روزگار افشاریه و زندیه به سبب آشفتگی‌های فراوان خبر چندان از بیمارستانها نداریم. گویا بیمارستانهای قدیم با وضعیتی نامناسب به فعالیت خود ادامه می‌دادند.

فصل سیزدهم کتاب درباره تأسیس و گسترش بیمارستانهای اروپاییان در ایران است. اولین بیمارستان اروپاییان توسط پرتغالیان در جزیره هرمز بنا شد. شرکت هند شرقی نیز در بندرعباس بیمارستانی ساخت که نزدیک به دو قرن فعالیت

می‌شناسیم که بیمارستان بنا کردند.

با گسترش بیمارستانها به سبک غربی در ایران، در اصل تاریخ بیمارستانها در ایران پایان می‌یابد. از این به بعد مؤلف محترم ده فصل خواندنی و سودمند دیگر بر کتاب افزوده است.

فصل پانزدهم: ویژه تشکیلات بیمارستانها است. بیمارستانها فقط محلی برای درمان بیماران نبوده بلکه مراکز آموزشی و دانشگاهی نیز بوده‌اند و بیشتر از طریق وقفیات اداره می‌شدند.

فصل شانزدهم: به جراحی و دستاوردهای درخشان جراحان ایرانی اشاره می‌گردد. مانند کشف انرژی درمانی و نابودی «تومور»های سرطانی با لمس دست بوسیله **بهاءالدوله رازی** (ص ۲۶۱)، دوختن روده خنجر خورده یک پهلوان با نیش مورچه به عنوان بخیه جذب‌شونده و یا گزارش اولین گچ‌گرفتنی عضو شکسته در تاریخ پزشکی. (ص ۲۶۲)

فصل هفدهم: چشم پزشکی در ایران و شهرت عالمگیر چشم پزشکان ایرانی که

لفظ بیمارستان نیز لفظی پارسی است که در برخی از متون قدیم مترادف با «دیوانه‌خانه» به کار می‌رفته است

مقارن ظهور اسلام در سرزمین حجاز به گروهی از مردان عرب برمی‌خوریم که از دانش آموختگان جندی شاپور هستند. شاید این اولین حلقه اتصال جندی شاپور با دنیای اسلام باشد که تا قرن‌ها بعد ادامه می‌یابد

و اعتبار دارد؛ گرفتن نبض و آزمایش ادرار. «برای نبض آنقدر اهمیت قائل بودند که فکر می‌کردند، تنها با گرفتن آن می‌توان بیماری را تشخیص داد.» (ص ۸-۲۹۷)

فصل بیست و دوم: حقوق طبیبان و کارکنان بیمارستانها. در این بخش مؤلف سختکوش با دقت و مطالعه و جست‌وجوی بسیار به میزان درآمد طبقات مختلف متصدیان امور پزشکی اشاره کرده و آن را با برابریهای امروزی مقایسه نموده است.

فصل بیست و سوم: آموزش پزشکی به دانشجویان در کنار درمان بیماران نیز در بیمارستانها صورت می‌گرفته و حتی این آموزش به صورت نظری در برخی دانشگاهها رواج داشته است.

فصل بیست و چهارم: آزمون طبیبان: پزشکان و داروسازان جوان برای فعالیت در بیمارستانها باید جواز رسمی کسب می‌نمودند والا ادامه کار ممکن نبوده است. در دورانی که محتسبان مسئول نظارت بر درستی اجرای انواع حرفه‌ها بودند، حتی صدور مجوز و دایر کردن مطب برای پزشکان، دامپزشکان و چشم‌پزشکان و داروسازان بر عهده آنان بوده است.

فصل بیست و پنجم: اخلاق پزشکی و اشاره به طب بقراط و سوگندنامه‌ای که وی برای طبیبان نگاشت از موضوعهای این فصل است. همچنین ترجمه‌ای از باب دوم پندنامه **علی بن عباس مجوسی اهوازی** به پزشکان، توسط مؤلف محترم از عربی به فارسی ترجمه شده است.

در پاورقی صفحات تاریخ بیمارستانها، یا ارجاعات آورده شده و یا انباشته از اطلاعاتی بسیار مفید برای خوانندگان است.

تاریخ بیمارستانها در ایران حاصل تلاش پیگیر مردی است که سالهاست به جلوه‌های گوناگون فرهنگ و تمدن ایرانی عشق می‌وزرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. تاریخ بیمارستانها در اسلام: تألیف دکتر احمد عیسی‌بک، ترجمه دکتر نورالله کسایی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول ۱۳۷۱، ص ۵۵.

۲. شاهنامه فردوسی (از روی چاپ مسکو) به کوشش دکتر سعید حمیدیان، نشر قطره، ج ۲، ص ۱۵۴ ب ۴۲۵.

۳. همان، ج ۳، ص ۵۲ ب ۸۷.

۴. بیهوده نیست که آن حکیم الهی در مثنوی با گرفتن نبض کتیکز پی به بیماری او می‌برد: «دست بر نبضش نهاد و یک بیک باز می‌پرسید از جور فلک»

بنگرید به شرح مثنوی معنوی مولوی، نوشته رینولدالدین نیکلسون، ترجمه حسن لاهوتی، چاپ دوم ۱۳۷۸، دفتر اول، ص ۴۵.

بیماری‌های گوناگون چشم از قبیل کجی مژگان، سبیل، تراخ، ناخنک و آب‌مروراید را درمان می‌کردند. (ص ۲۶۷ به بعد)

فصل هجدهم: بیماری زنان و تقسیم بیمارستانها به دو بخش زنانه و مردانه و اشاره‌ای به برخی از پزشکان زن.

فصل نوزدهم: بیماران روانی و آزمایش دیوانگان از مشاهده رفتارشان و طرز غذا دادن به دیوانگانی که غذا نمی‌خورند.

فصل بیستم: داروخانه بیمارستانها. در کنار بیمارستانها و یا داخل آنها داروخانه‌هایی وجود داشته که عطاران و داروسازان در این مراکز حتی طبابت هم می‌کردند.

فصل بیست و یکم: تشخیص بیماریها با دو روش بسیار پیشرفته که امروزه نیز در پزشکی رواج

می‌کرد. همچنین انگلیسی‌ها در بوشهر بیمارستانی ساختند. با آمدن ژنرال **گاردان** فرانسوی یک پزشک و دو کشیش وارد ایران شد و درمانگاهی تأسیس گردید و زمینه‌ای برای اشاعه طب جدید در ایران فراهم شد.

از اوایل حکومت قاجار تا زمان ناصرالدین شاه بیمارستان مهمی در ایران وجود ندارد. در این دوره چند بیمارستان مهم ساخته می‌شود. و مانند بسیاری از دوره‌های گذشته بیمارستانهای سیار در سپاه قاجار وجود داشته است.

حکیم پولاک اثریشی اولین بیمارستان به سبک جدید اروپایی در ایران را تأسیس کرد. در همین دوران **افرد خیری** مانند **حاجی میرزا حسین خان سپهسالار**، **شیخ هادی نجم‌آبادی**، **ملک تاج خانم نجم‌السلطنه**، **حاجی سیدرضا فیروزآبادی** را